

نقش تحول خواهی جوانان در تحقق آرمان‌های مهدوی*

خداامراد سلیمیان^۱

چکیده

جوانان همواره در حرکت‌های اصلاحی پیامبران الهی نقشی بنیادین، کلیدی و برجسته داشته‌اند. این نقش به جهت عمق و گستره قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له در عرصه‌های گوناگونی مورد تأکید قرار گرفته است. اینان با ویژگی‌های خاص جوانی در تحقق آن آرمان الهی بسیار مؤثر خواهند بود. از تحول خواهی تا بهره‌مندی از همه توان خویش برای پیشبرد اهداف، و از هدایتگری تا بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های دانشی خود، و از حفظ اخلاق اسلامی تا پای بندی به ارزش‌های انسانی، همه و همه این نقش‌ها به سازماندهی و پیشبرد قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له و تحقق آرمان‌های مهدوی، کمک شایانی می‌کنند. بی‌گمان در میان نقش‌های پیش‌گفته یکی از این ویژگی‌های جوانان که تأثیری اساسی در پیروزی قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له دارد ویژگی تحول خواهی آنان در عرصه‌های ارزشی گوناگون است. تحول خواهی جوانان به معنای ایجاد دگرگونی در باور، اندیشه و رفتار جوانان است. این تحول می‌تواند به صورت فردی و یا اجتماعی رخ دهد. در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له، تحول خواهی جوانان - به عنوان بخش پرشماری از یاران آن حضرت - در هر دو سطح اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی

تحول خواهی، جوانان، آرمان‌های مهدوی، مهدویت، انتظار.

مقدمه

انسان رهگذری است که از خداوند آغاز کرده و به خداوند باز می‌گردد (بقره: ۱۵۶). اما در این عبور که دگرگونی از حالتی، به بهتر از آن است، می‌بایست تاقله‌های فرازمند کمال راه سپارد. و از آن جا که راهی نرفته می‌پیماید به حکم عقل می‌بایست این دگرگونی‌ها بر پایه آموزه‌های وحیانی صورت پذیرد (نساء: ۶۹).

از آن جا که سرعت سیر در فراهم آوردن این دگرگونی‌ها در جوان و جوانی بیشتر از هر کس و هر زمان دیگر است، این دوران از هر زمان دیگر ارزشمندتر و ارجمندتر است. دین اسلام به مانند دیگر ادیان توحیدی با توجه به این ویژگی، همواره تأکید هدایتگری

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

خود را بر جوانی و جوانان نهاده است و آنان را به حرکت در مسیر سعادت فراخوانده است.^۱ قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان پایان بخش حرکت پیامبران الهی با توجه به ظرفیت های جوانی و جوانان بیشترین سهم را برای حضور آنان اختصاص داده است.^۲ او که به خواست خداوند در زمانی مقرر ظهور خواهد کرد تا عدالت را در جهان حاکم کند (یملأ الارض عدلاً)، از وجود یاران جوان، مخلص و مجاهدی که مسلح به سلاح ایمان و یقینند، و گوش به فرمان مقتدای خویش دارند، به عنوان یکی از عوامل مهم پیروزی آن حضرت پس از ظهور، ایشان را در برچیدن ظلم و فساد یاری خواهند نمود.^۳ و البته این جوانان به طور عمده کسانی هستند که با گذر از دوران تاریک و سرشار از ظلم و بیداد پیشاظهار خود را به سلامت به محضر آن امام همام خواهند رساند. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با نشان دادن گستره های تحول خواهی جوانان در رسیدن به سعادت، نقش این تحول خواهی را در تحقق آرمان مهدوی که همانا تشکیل جامعه شایستگان است در نگاه قرار دهد. اما پیش از هر سخن اشارتی بر جوان و جوانی و نیز تحول و تحول خواهی، مناسب می نماید:

جوان و جوانی

در زبان فارسی واژه «جوان» یا «برنا»، به معنای هر چیزی است که از عمر آن زمان چندی نگذشته باشد (دهخدا، لغت نامه، واژه جوان) و در لغت عرب آن گاه که جوان قصد می شود بیشتر از واژه های: «فتی»، «شاب» و «غلام» استفاده می شود.

۱. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: عليك بالأحداث فإنهم أسرع إلى كل خير؛ جوانان را دریاب، زیرا که آنان سریع تر به کارهای خیر روی می آورند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۹۳).

و یا این که امیرمؤمنان علیه السلام در وصیتی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: إنما قلب الحدث كالأرض الخالية ما ألقى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالأدب قبل أن يقسو قلبك و يشتغل لبك؛ دل جوان، مانند زمین کشت نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آن که دل سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۹۰).

۲. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم الا الكحل في العين، او كالملاح في الزاد، و اقل الزاد الملاح؛ همانا یاران قائم علیه السلام همگی جوانند و پیر میان شان نیست؛ مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه، نمک است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۵، ح ۱۰).

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: بینا شباب الشيعة على ظهور سطوحهم نیام إذ توافوا إلى صاحبهم فی ليلة واحدة علی غیر میعاد فیصحبون بمكة. : هنگامی که جوانان، شبانگاه بر پشت بام ها در خواب اند، به ناگاه، بدون وعده قبلی، در یک شب، گرد صاحب خود جمع می شوند و صبح هنگام در مکه خواهند بود (همان: ۳۱۶).

واژه «فتی» هم به معنای «جوان» و «هم جوان مرد» به کار می‌رود و ۱۰ بار در قرآن به کار رفته که در ۵ مورد به معنای غلام و برده است که یک بار به صورت مفرد «فتی» (یوسف: ۳۰)، یک بار به صورت تثنیه «فتیان» (یوسف: ۳۶) و سه بار به شکل جمع «فتیان» و «فتیات» (یوسف: ۶۲؛ نساء: ۲۵؛ نور: ۳۳) به کار رفته است.

اگرچه محدوده سنی دقیق و روشنی برای جوانی در دست نیست اما در فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های گوناگون نظراتی ذکر شده است به گونه‌ای که امروزه در کشورهای مختلف محدوده سنی متفاوتی را دوران جوانی می‌دانند؛ و اعلام رسمی آن از سوی مراکز بین‌المللی مشکلی از این اختلاف نظرها برطرف نمی‌کند چرا که جوانی در فرهنگ‌ها به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است.

جایگاه جوان در فرهنگ اسلامی

در یک نگاه گذرا در آیات قرآن به مواردی بر می‌خوریم که از جوان و جوانی به بزرگی و نیکی یاد شده است. برخی از این موارد بدین قرار است:

۱. ابراهیم علیه السلام، شخصیتی نامور، در دوران جوانی؛
«قالوا سمعنا فتی يذكرهم يقال له إبراهيم» (انبیاء: ۶۰).
۲. مأموریت ابراهیم علیه السلام برای ذبح اسماعیل علیه السلام، در دوران جوانی وی؛
«فبشرناه بغلام حليم فلما بلغ معه السعي قال يا بني ابي اری فی المنام انى اذبحك فانظر ما ذا ترى قال يا ایت افعل ما تؤمر ستجدنى ان شاء الله من الصابرين» (صافات: ۱۰۱-۱۰۲).
۳. اصحاب كهف، جوانمردانی مؤمن به خداوند و بهره‌مند از هدایت افزون الهی؛
«نحن نقص عليك نبأهم بالحق انهم فتية آمنوا بربهم و زدناهم هدى» (كهف: ۱۳).
۴. صالح علیه السلام، جوانی خوش نام و مورد امید قومش؛
«فلما جاوزا قال لفتهه ااتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصيبا» (هود: ۶۲).
۵. حضور جوانان، در کارگزاران حکومت یوسف علیه السلام؛
«و قال لفتيانہ اجعلوا بضاعتهم فی رحالهم لعلهم يعرفونها» (یوسف: ۶۲).
۶. رشد و شکوفایی خارق‌العاده مریم علیه السلام در عنفوان جوانی؛
«قال يا مریم ائنی لك هاذا قالت هو من عند الله» (آل عمران: ۳۷).
۷. موسی علیه السلام، جوانی نیرومند و قوی و رسیدن موسی علیه السلام به مقام حکم و علم الهی،
دردوران جوانی؛

﴿و لما بلغ أشده و استوى ءاتیناه حکما و علما و کذالك نجزی المحسنین﴾ (قصص: ۱۴-۱۵ و ۲۸).

۸. ازدواج موسی علیه السلام با دختر شعیب علیه السلام، در دوران جوانی؛
﴿قال إنی أرید أن أنکحک إحدى ابنتی هتین علی أن تأجرنی ثمنی حجج فإن أتممت عشرا فمن عندک و ما أرید أن أشق علیک ستجدنی إن شاء الله من الصلحین﴾ (قصص: ۲۷).
 ۹. دعوت جوانان همبند به توحید، با برانگیختن عقل و اندیشه آنان، از سوی یوسف علیه السلام؛
﴿و دخل معه السجن فتیان﴾ (یوسف: ۳۶ و ۳۹).
 ۱۰. عفت و پاکدامنی یوسف علیه السلام، در عنفوان جوانی؛
﴿و راودته التی هو فی بیتهما عن نفسه و غلقت الأبواب و قالت هیت لك قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثنوی إنه لا یفلح الظالمون﴾ (یوسف: ۲۳-۲۴، ۳۰ و ۳۲).
 ۱۱. بهره‌مندی یوسف علیه السلام از علم و حکمت، و رسیدن به مقام نبوت، در دوران جوانی؛
﴿و لما بلغ أشده ءاتیناه حکما و علما و کذالك نجزی المحسنین﴾ (یوسف: ۲۲).
 ۱۲. آغاز دوران جوانی یوسف علیه السلام، در بارگاه عزیز مصر؛
﴿و کذالك مکننا لیوسف فی الأرض و لنعلمه من تأویل الأحادیث﴾ (یوسف: ۲۱-۲۳).
 ۱۳. همراهی و ملازمت یوشع بن نون علیه السلام با موسی علیه السلام، در سن جوانی؛
﴿و إذ قال موسی لفتنه لا أبرح حتی أبلغ مجمع البحرین أو أمضی حقیبا﴾ (کهف: ۶۰ و ۶۲).
- انبوه آیات یادشده و افزون‌تر از آن، همه و همه نشانگر اهتمام آموزه‌های وحیانی و پیامبران الهی بر جوان و جوانی و ویژگی‌های این دوران به‌ویژه تحول‌خواهی برای رسیدن به کمال و سعادت است.

تحول و تحول‌خواهی

تحول به معنای دگرگونی است «أصل الحول تغیر الشیء و انفصاله عن غیره، و باعتبار التغیر» (مفردات راغب؛ ص ۲۶۶).

از آن‌جایی که تحول و تحول‌خواهی، یکی از بایسته‌ترین نیازهای جامعه بشری است. آموزه‌های وحیانی همواره انسان‌ها را به دگرگونی از وضع موجود به وضع بهتر، جهت رسیدن به رشد و کمال، فراخوانده است.

سخنان فراوانی درباره این بایستگی گفته شده است. یکی از این سخنان به تناسب زندگی امروزی از مقام معظم رهبری درباره ضرورت تحول در جوامع بشری است که می‌گوید:

تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است. هیچ کس نمی تواند در مقابل تحول بشری بایستد؛ امکان ندارد. دیر یا زود، یکی پس از دیگری، تحولات بشری اتفاق می افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. اصلاً خدا بشر را این طور قرار داده است که ایستایی در طبیعت انسان نیست. شاید یکی از فرق های انسان با بقیه اشیا هم همین باشد. البته در بقیه اشیا هم یک نوع تغییرات، تحولات و تبدیل انواع را می گویند، که من حالا به آن مسائل کار ندارم؛ نه درست واردیم و نه می توانیم قضاوت کنیم؛ نه به بحث ما ارتباطی دارد؛ اما در بشریت تحول حتمی است. با تحول نبایستی مقابله کرد؛ تحول را نباید انکار کرد. و باید به سوی تحول - به همان معنایی که عرض خواهیم کرد - به شکل درست حرکت کرد (بیانات در دیدار با دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

البته باید توجه داشت که این تحول خواهی براساس اندیشه متعالی، فکر و اندیشه صورت پذیرد. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۹ و در سخنرانی سالگرد رحلت حضرت امام عجل الله تعالی فرجه نیز به موضوع پشتوانه فکری و علمی برای تحول خواهی اشاره کرده و می فرمایند:

تحول صحیح احتیاج دارد به پشتوانه فکری؛ یعنی هر حرکت بی پشتوانه فکری را نمی شود تحول دانست. بعضی از حرکت های سبک و سطحی را نمی شود به حساب تحول گذاشت؛ تحول پشتوانه فکری [می خواهد]. فرض کنید یکی از مسائلی که امروز باید حتماً تحول در آن به وجود بیاید، مسئله عدالت است. در زمینه عدالت باید تحول ایجاد کنیم و این باید متکی باشد به یک مبنای فکری که اندیشه متقن و شکل یافته ما در زمینه عدالت چیست؛ آن وقت براساس آن برویم سراغ تحول... (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52355>).

تحول پیدا کردن بدون نقشه راه و سندی که اهداف و مسیر را مشخص کند، ممکن نیست. اما این تحول خواهی جوانان در گستره هایی قابل بررسی است:

عرصه های تحول خواهی جوانان

پیش از اشاره به عرصه های تحول خواهی جوانان لازم است تأکید شود که در آموزه های دینی خودشناسی، بنیادی ترین زمینه برای خداشناسی و خداپرستی به شمار آمده است. و از آن به عنوان برترین «أفضل المعرفة معرفة الإنسان نفسه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۹) و پرفایده ترین معرفت ها یاد شده است. امام علی علیه السلام فرمود:

معرفة النفس أنفع المعارف (همان: ۷۱۲).

جوانی که در دوران پرفراز و فرود جوانی به خودشناسی برسد به خوبی از کرامت و شرافت خویش پاسداری خواهد کرد و گوهر ارزشمند وجود خود را به کالای بی‌ارزش و یا کم‌ارزش دنیایی از دست نخواهد داد.

در مرحله خودشناسی است که جوان به ابعاد و مراتب تکامل و تنزل نفس آگاهی پیدا می‌کند، امتیازها و آسیب‌ها، امکانات و توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و مقدرات وجود خود را می‌شناسد.

و در پس این آگاهی‌ها عوامل رشد و انحطاط، تکامل و تنزل نفس و روش فراهم آوردن عوامل رشد و اعتلای روحی و اخلاقی خود را به روشنی می‌یابد. و در به دست آوردن برتری‌های اخلاقی و فراهم آوردن سعادت و کمال انسانی خود تلاش می‌کند و این همان تحول خواهی اوست.

البته این خودشناسی هم در جنبه‌های جسمانی و توانمندی‌های ظاهری و هم در بعد روحی و معنوی مورد توجه است. چه فراوانند جوانانی که با کشف خویشتن و انتخاب راه درست به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند و نیز چه بسیارند جوانانی که در راه خودشناسی کوتاهی کرده هرگز استعدادها و توانمندی‌های خود را به گونه‌ای شایسته کشف نکردند از این رو جوانی خویش را در سرگردانی سپری کردند.

و جوان پس از خودشناسی در عرصه‌های بنیادین برای ایجاد تحول به سوی کمال گام‌هایی را برمی‌دارد. که برخی از برجسته‌ترین آنها از این قرارند:

۱. یکتاپرستی

آن‌گاه که جوان نخستین گام‌ها را در مسیر تحول خواهی می‌نهد، آوای خوش فطرت او را به جست‌وجوی آگاهانه آفریدگار می‌خواند. و در پس این کنکاش است که بارقه‌های الهی قلب او به نور یگانه پرستی روشن می‌سازد. و از این جاست که او در پی تقویت این بینش ارزشمند گام‌های استوارتری را برمی‌دارد.

بسی روشن است که پیروی از آموزه‌های سفیران خداوند و جانشینان آنها، چراغی فروزان فراراه او خواهد بود، تا این استواری را با استقامت تمام استمرار بخشد.

آموزه‌هایی که در جهت روشن ساختن فلسفه زندگی و شناخت هدف‌های بنیادین آن و نیز پدیدآوردن نشاط و امیدواری به آینده‌ای بهتر برای تداوم زندگی راهنمایی‌های ارجمندی را در دسترس نهاده است.

در این گام‌های نخستین است که جوان در پس اندیشه در مبدأ آفرینش زیرساخت‌های شناخت هدف آفرینش را نیز در نهاد خود شکل می‌دهد. تا در پرتو این دو باور، زندگی را بر شیوه‌ای سالم سامان بخشد.

بی‌گمان در این مرحله حساس عقل و فطرت سالم با یاری خواهی از آموزه‌های دینی - آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم‌السلام - راه را بر رهروان هرچه روشن‌تر تا کمال مطلوب آماده می‌سازد. در روایاتی که در وصف یاران مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی فرجه‌التشریف آمده است آنها را در اوج معرفت الهی معرفی کرده است.

امام علی علیه‌السلام، از این ویژگی یاران امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌التشریف این‌گونه سخن می‌گوید:
مردان مؤمنی که خدا را آن‌گونه که باید، شناخته‌اند.

طبیعی است ایمانی این چنین که درباره یاران آن حضرت گفته شده، به آسانی حاصل نمی‌شود. بلکه نیازمند تلاش و مجاهده فراوان با امیال و هواهای نفسانی و شیطانی است. این ایمان نتیجه یک عمر زندگی توأم با اخلاص و پاکدامنی است و برای رسیدن به آن باید، نه فقط به واجبات عمل نمود، بلکه از محرّمات دوری جست و از فواید و برکات اعمال مستحبی نیز بهره گرفت و تقوا را در تمام شئون فردی و اجتماعی زندگی، مدنظر قرار داد. از آن جایی که عالی‌ترین آرمان در قیام جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌التشریف گسترش یکتاپرستی در همه زمین است این ویژگی نقشی اساسی در رسیدن به آن آرمان را دارد. در حدیثی نورانی امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود:

إذا قام القائم علیه‌السلام لایبق ارض الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۸۳، ح ۸۱):
در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر این که شهادت به یکتاپرستی و نبوت در آن ندا داده خواهد شد.

پیر واضح است که رسیدن به آن آرمان بلند تلاشی طاقت‌فرسا و مجاهدتی بی‌وقفه می‌طلبد و این مهم با جوانی تناسب دارد.

۲. دین‌شناسی و دینداری

جوان هنگام گذر در مرحله یادشده برای ایجاد تحول به حالی بهتر، خود را نیازمند آگاهی‌های هرچه بیشتر درباره دین می‌بیند. از این رو در پی شناخت مبانی اعتقادی در بینش اسلامی گام می‌نهد. او در این مسیر همواره به دنبال کشف اسرار آفرینش است و جهت پاسخ به

نیازهای فطری و درونی خود به دنبال اثبات هدفمند بودن نظام آفرینش و زندگی خویش است.

رفته رفته در این دوره جوان حوزه دین‌شناسی را به دینداری هرچه نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند تا جایی که دینداری او به طور کامل منطبق بر دین‌شناسی می‌گردد و این دو نه فقط در عرصه فکر و اندیشه که عرصه رفتار را نیز به طور کامل زیر نفوذ خود قرار می‌دهد به گونه‌ای که رفتارهای دینی او بر پایه فهمی آگاهانه از دین صورت می‌گیرد.

روشن است که کمال این مرحله بدان است که پس از تعمیق باورهای بنیادین در برابر هرگونه شبهه و القای انحرافی پاسخ‌های در خور و روشنی در نهاد خود شکل داده باشد.

روحیه توکل و ایجاد باورهای قلبی به حکمت پدیده‌های آفرینش با مطالعه در معارف اسلام و منابع معتبر از دیگر راه‌های گذر سالم از این مرحله به شمار می‌آید.

البته در عرصه دین‌شناسی و دینداری یکی از بحث‌های مهمی که بر آن تأکید شده است آگاهانه بودن دینداری و پرستش خداوند است به گونه‌ای که آموزه‌های دینی بیش از آن که به انجام واجباتی دینی سفارش کنند به آگاهانه انجام دادن آن سفارش کرده‌اند.

از آن جا که بندگی خداوند در دوران جوانی از برجستگی به سزایی برخوردار است، آگاهانه بودن آن نیز مهم می‌نماید. به بیان دیگر کیفیت رفتارهای عبادی بیش از کمیت آن مورد توجه است؛ از این رو انجام عبادات کمتر با آگاهی بهتر است از عبادت‌های فراوان بدون شناخت و معرفت.

در این مرحله آشنایی جوان با فلسفه احکام و دین و شناخت روش‌های تحکیم عمل صالح و اصلاح شیوه زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و در این جاست که افزون بر مراقبت‌های درونی جوان نیازمند آگاهی بخشی‌های بیرونی از طرف افراد شایسته است.

رسیدن به دین‌شناسی و دینداری راستین می‌تواند در فراهم نمودن زمینه‌ها برای تحقق یکی از برجسته‌ترین آرمان‌های قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه که همانا ایجاد زمینه معرفت دینی و دینداری برای همه مردمان در عصر ظهور است، کمک شایانی کند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره اهتمام به دین‌شناسی در عصر ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه در بیانی نورانی فرمود:

كأني أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة قد ضربوا الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما أنزل (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۷، ح ۳)؛

گویا می‌بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را همان گونه که نازل

شده به مردم می‌آموزند.

قلب جوان چون زمین آماده کشت است. و قرآن باران معارف بلند آسمانی. چون این باران بر این زمین بارید بخشی از ثمرات آن گل‌های خوشبویی است که عطر آن همه زندگی را معطر می‌سازد.

از روایات ارزشمندی رابطه جوان و انس او با قرآن به نیکی تمام بیان شده است.^۱ در پاره‌ای از آیات بهره‌مندی از آیات نورانی آن نیازمند تفسیر و تبیین است. و یگانه مرجع اطمینان بخش کسانی هستند که دانش آنها از سرچشمه زلال اندیشه‌های وحیانی سیراب شده است که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سرآمد این گروهند. پس جوان در بهره‌مندی از آیات قرآن ناگزیر است از سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام نهایت بهره را ببرد.

جوان آن‌گاه که جان خویش را با زلال آبشار و جاری قرآن می‌شوید با رشته‌های نادیدنی به پروردگار هستی پیوند می‌خورد و زندگی خویش را از هر پلیدی پاکیزه می‌کند. و امروزه جوانانی که نگران بیهودگی و زیان در زندگی هستند شایسته است تا هرچه بیشتر با کلام الهی انس یابند و از این زلال بی‌پایان سرشار شوند. بسی جای تأسف است که ابزار و عواملی چند دست به هم داده روز به روز بر فاصله و شکاف بین جوان و سخنان خدای مهربان می‌افزاید.

آنچه در این جا باید یادآور شد اینکه بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده‌اند. در این باره ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: امام در تفسیر این قول خدای تعالی «یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفساً إیمانها لم تکن آمنتم من قبل أو کسبت فی إیمانها خیراً» (انعام: ۱۵۸)؛ «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد». فرمود:

یعنی خروج القائم المنتظر منا. یا ابابصیر طوبی لشیعۃ قائمنا المنتظرین لظهوره فی

۱. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی بسیار زیبا و گویا درباره اهمیت انس جوان با قرآن و تلاوت قرآن او چنین می‌فرماید: من قرأ القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بدمه و لحمه و جعله الله مع السفرة الكرام البررة و كان القرآن حجیجا عنه یوم القيامة؛ هرکس در جوانی قرآن بخواند و مؤمن هم باشد، قرآن با گوشت و خونس بیامیزد و خداوند او را با فرشتگانی که نماینده و سفیر حق هستند و فرشتگان نویسنده اعمال، همدم و قرین سازد و در روز قیامت قرآن برای او حائل و مانع از آتش جهنم خواهد بود و در حق وی دعا کند (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۰۰).

غیبت و المطیعین له فی ظهوره أولئك أولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۵۷)؛

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

۳. رستاخیز باوری

رستاخیز باوری یک اعتقاد به ادامه وجود پس از مرگ است، که در دین‌ها و فلسفه‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این باور به افراد کمک می‌کند تا با مرگ به عنوان یک پایان نهایی مواجه نشوند و امید به یک زندگی بعدی داشته باشند.

در عرصه ایمان و معرفت بینش انسان‌ها به رستاخیز و پاسخگویی به رفتارها در برابر دادگاه خداوند نقش مهمی در تنظیم رفتارهای انسان در دوران زندگی دارد. باور به این که زمانی انسان در برابر خداوند به هر آنچه انجام داده و باور داشته می‌بایست پاسخ دهد انسان را بر آن می‌دارد تا در کارهایی که انجام می‌دهد بیاندیشد.

در این مرحله سطح بینش جوان به معاد و حساب، ثواب و عقاب در جهان دیگر، شکل گرفته و رشد می‌یابد. خداوند در آیات فراوانی بر لزوم آمادگی انسان‌ها برای پاسخگویی به رفتارهای شان تأکید ورزیده است.

افزون بر آیات قرآن دیگر آموزه‌های دینی نیز انسان‌ها را به فرجام‌نگری هنگام رفتارهای خود سفارش کرده است و ایشان را به حساب‌کشی از خود پیش از قیامت توصیه نموده است. امروزه - با توجه به زمینه‌های فراوان گناه - بزرگان اخلاق یاد معاد و پاسخگویی در برابر اقتدار و عظمت الهی را عاملی بسیار مهم در سلامت روح و روان یاد کرده‌اند.

از آن جایی که یکی از آرمان‌های بلند قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برچیدن ستم و تباهی از زمین است یاد معاد و حساب‌دهی در جهان آخرت نقش برجسته‌ای در رسیدن جوان به آن اهداف متعالی ایفا می‌نماید.

۴. شکیبایی در سختی‌ها

شکیبایی به معنای تحمل و آرامش در مواجهه با سختی‌ها، مشکلات و موقعیت‌های ناخوشایند است. این ویژگی به انسان کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات و آزمایش‌های زندگی، هم‌تراز و ثابت قدم بماند.

شکیبایی مهارتی است که با تمرین و تلاش می‌توان به آن دست یافت. با تقویت شکیبایی

خود، می‌توان در مواجهه با سخت‌ترین شرایط، آرامش و استواری را حفظ کرد. امروزه کم نیستند افرادی که به دلیل‌هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی‌تابند و در این راه، از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی‌گذارند. از آن‌جا که یکی از آموزه‌های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت‌ها است، لازم است در این دوران، بیش از هر زمان دیگر برابر این مشکلات و مصیبت‌ها شکیبایی داشته باشیم. رهبر انقلاب درباره دفعی یا تدریجی بودن تحول، در جایی توضیح داده این‌گونه بیان می‌کند:

تحول لزوماً یک حادثه دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً انجام می‌گیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنان‌چه هدف‌گیری و نشان‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنان‌چه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم، و بی‌صبری نباید کرد؛ این‌که تصور کنیم که بایستی حتماً دفعتاً یک کاری انجام بگیرد، نه، این جور نیست (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52355).

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَدْرًا وَاحِدًا وَحَنِينٌ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوِ تَحْمَلُونَ [تَحْمَلُونَ] لَمَّا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۶)؛

پس از شما مردمانی خواهند آمد که یکی از آنان اجر پنجاه نفر از شما را دارد. عرض کردند: ای پیامبر خدا! ما که در [جنگ‌های] بدر و احد و حنین همراه شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: اگر آنچه بر سر ایشان می‌آید به سر شما بیاید، مانند آنان شکیب نمی‌ورزید.

امام حسین بن علی علیه السلام نیز در این باره فرمود:

أَمَا ان الصابر في غيبته على الأذى والتكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله صلی الله علیه و آله (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۱۷، ح ۳)؛

کسی که در زمان غیبت در مقابل اذیت و آزار و تکذیب آنها صبور باشد، مجاهدی است که با شمشیر در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله جهاد کرده است.

جوانان در دوران پیشاظهار با شکیبایی بر مرارت‌ها در راستای تحول‌خواهی خود را برای حضور در محضر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیای می‌سازد.

۵. خویشتن‌داری

از آموزه‌های مهم اخلاقی آن است که انسان همواره جان خویش را از پلیدی‌ها پاک سازد و روح خود را همواره با یاد پروردگار صفا و جلا دهد. و نیز این که در روبه رویی با نافرمانی‌های پروردگار خویش را نگه دارد.

در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام این ویژگی از برجسته‌ترین صفات انسان شمرده شده است. که با آن می‌توان زندگی سعادت‌مندی را پشت سر نهاد.

تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و حفظ طهارت روح و سلامت نفس برای همگان بایسته است اما برای جوان‌زیننده و مایه آراستگی روح و روان است.

پروای الهی، در همه زمان‌ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان‌ها را به بیراهه کشانده گمراه سازند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

همانا برای صاحب‌الامر غیبتی هست؛ پس بنده تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ زند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۵۱).

آن حضرت همچنین فرمود:

هر کس شاد می‌شود از آن که از یاران قائم باشد، پس می‌بایست پرهیزکار بوده، نیکویی‌های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است؛ پس اگر از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کس که قائم را درک نماید، خواهد داشت؛ پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارایتان بادای گروه مورد رحمت الهی واقع شده (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰).

جوانی که در راستی، امانت‌داری پایبند به دستورات شرع است در واقع نوعی حس قدسی را در خود پدید آورده که زندگی او را در نهایت آرامش پیش خواهد برد. او در واقع با رعایت تقوا خداوند را ناظر و ناصری توانمند بر رفتار خویش می‌داند و در کوران حوادث او را مددکار خویش می‌داند. و بی‌گمان چنین جوانی به نیکوترین صورت با یاری‌های خداوند مدد خواهد شد.

۶. بهره‌گیری از فرصت‌ها

بهره‌گیری از فرصت‌ها به معنای استفاده کردن از شرایط و موقعیت‌های موجود برای دستیابی به موفقیت و پیشرفت است. این فرصت‌ها می‌توانند شامل عوامل گوناگونی مانند

یک شغل جدید، یک رویداد ویژه، یک رابطه جدید و غیره باشند. با توجه به این که فرصت‌ها به طور معمول از طریق تلاش، شناخت و آگاهی به دست می‌آیند، بهره‌گیری از آنها نیازمند فعالیت و توجه ماست.

برای بهره‌گیری از فرصت‌ها می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد:

۱. شناسایی فرصت‌ها: باید توانایی شناسایی فرصت‌های موجود در محیط خود را داشته باشید. این شامل توجه به اطراف و تحلیل موقعیت‌ها و رویدادهاست؛

۲. آمادگی و آموزش: برای بهره‌برداری از فرصت‌ها باید آماده باشید و به دنبال افزایش مهارت‌ها و دانش خود باشید. آموزش و به روزرسانی مداوم، می‌تواند شما را برای بهره‌برداری از فرصت‌ها آماده کند؛

۳. ارزیابی مشکلات: برخی از فرصت‌ها می‌توانند حاوی مشکلات و خطراتی باشند. پیش از اقدام به بهره‌برداری از فرصت، باید این مشکلات را ارزیابی کرد و تصمیم‌گیری متناسب انجام داد؛

۴. اقدام و تعامل: برای بهره‌برداری از فرصت‌ها باید به آنها عمل کنید و اقدام کنید. این شامل گام‌های کوچک و قابل انجام است که کمک می‌کند تا به تدریج به هدف موردنظر رسید.

آن‌گاه که بزرگان دین سخن از گذر فرصت‌ها به میان می‌آورند از بهترین تشبیه‌ها بهره می‌گیرند. و آن گذر ابرهای بهاری است. آری فرصت‌های زندگی بسان ابرهای زودگذری است که لحظاتی چند در آسمان زندگی آشکار می‌شوند و دمی دیگر اثری از آنان باقی نمی‌ماند. امیر بیان علی علیه السلام فرمود:

الفرصة تمر مر السحاب ، فانهزوا فرص الخیر (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۱)؛

فرصت، چون ابر می‌گذرد. پس، فرصت‌های کار خوب را غنیمت شمردید.

و البته این تشبیه بسیار بهتر از تشبیه وقت به طلاست. چرا که چون طلا از دست رفت با تلاش دوباره می‌توان آن را به دست آورد اما وقت و فرصت از دست رفته را دیگر بار نمی‌توان بازگرداند.

افزون بر آن که آموزه‌های دینی بر بهره‌گیری از فرصت‌ها تأکید کرده‌اند از کار امروز را به فردا گذاشتن نیز پرهیز داده‌اند. چه بسیار کسانی که کاری را برای فردا نهادند و هرگز فردایی را نیافتند.

جوان اگر به این بیاندیشد که اقتضائات و شرایط جوانی موقعیت استثنایی است که هرگز تکرار نخواهد شد در بهره‌مندی از قابلیت‌های آن در رشد و شکوفایی لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد.

و البته فراموش نمی‌کنیم که بزرگان از فرصت‌های جوانی به بزرگی رسیده‌اند. از برجسته‌ترین راه‌های موفقیت در این مرحله برنامه‌ریزی، نظم و هدفدار بودن در فعالیت‌های زندگی است.

امروزه جذابیت‌ها فراوان و گوناگون هر یک فرصت‌های فراوانی را از جوانی‌ها به خود اختصاص می‌دهند که نیازمند مدیریتی خردمندان است. امام باقر علیه السلام پس از آیه شریفه:

اصبروا و صابروا و رابطوا؛ فرمود: اصبروا علی أداء الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا
إمامکم المنتظر (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۹)؛

بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یکدیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید.

۷. همدلی و هم‌نوایی

همدلی و هم‌نوایی دو مفهوم مرتبط هستند که به وجود آمدن ارتباط و اتحاد بین افراد اشاره می‌کنند. وقتی که همدلی وجود دارد، افراد به یکدیگر اهمیت می‌دهند و آماده هستند تا در مواقع دشوار همدیگر را حمایت کنند و به آنها کمک کنند.

از ویژگی‌های برجسته اخلاقی و معنوی هر مسلمان همدلی و صمیمیت با دیگران است. سادگی و بی‌آلایشی، صفا و صمیمیت، وفاق و اتفاق جمعی و تواضع و فروتنی در برابر افتادگان و گذشت و چشم‌پوشی نسبت به خطاکاران فقط برخی از ویژگی‌هایی است که همدلی و هم‌نوایی را به ارمغان می‌آورد.

این ویژگی در پس یک دوران سراسر بغض و کینه بین انسان‌ها نویدبخش روزگاری سرشار از محبت و صمیمیت خواهد بود که امام علی علیه السلام در این باره فرمود:

لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها، ولأخرجت الأرض نباتها، ولذهبت الشحناء من
قلوب العباد... (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ۱۰۴)؛

گر قائم ما قیام کند، آسمان برکت‌های خود را فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را می‌رویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت برمی‌بندد....

۸. صلابت و استواری

یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن قیام جهانی، افزون بر قدرت روحی و معنوی، نیازمند قدرت جسمانی نیز است؛ از این رو در روایاتی به توانایی فوق العاده یاران خاص اشاره شده است. و این ویژگی جوانی و جوانان است. که نقشی بنیادین در تحول خواهی برای نیل به آرمان های مهدوی دارد.

در احادیث پرشماری یاران حضرت مردانی جنگ آور و دلیر معرفی شده اند، که دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن، هراسی به دل راه نمی دهند. ایمان به هدف، همه وجودشان را تسخیر کرده، اراده جنگیدن، سرشار از شجاعتی بی همانند، آنان را به رزمگاه می کشاند، دل مردن دارند و عشق به شهادت، از کوه بلند پایه تر و هیبت شان سینه ستم کاران را در بر گرفته است (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش: ۵۴۱).

محمد بن حنیفه می گوید:

علی رضی الله عنه در پاسخ شخصی که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن حضرت پرسیده بود، فرمود: خداوند متعال گروهی را برای وی جمع خواهد کرد به مانند جمع شدن پاره های ابر، قلب های آنان را به هم پیوند زده و از هیچ کس هراس به دل ندارند و از افزوده شدن افرادی به جمع شان خوش حال نمی شوند... (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ج ۴، ۵۹۷؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹ ق: ۹۱).

همچنین امام صادق رضی الله عنه در وصف یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مردانی که گویی قلب هایشان، مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نمی تواند دل های آنان را درباره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زمین اسب امام دست می کشند و از این کار برکت می جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ ها، جان خود را سپر او می سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند؛ در نمازشان همه مه ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شب و شیران روزاند. اطاعت آنان برابر امام شان، از اطاعت کنیز برای آقایان زیادتر است. مانند چراغ ها هستند... گویی که دل های شان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنای شان شهید شدن در راه خداست. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه، وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا

می‌روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۰۸).

جوانان با توجه به این ویژگی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توانمندی را در مسیر تحول خواهی برای تحقق آرمان‌های مهدوی همواره در آمادگی کامل روحی و جسمی به سر خواهند برد.

و آخرین سخن این که در قیام و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا بدانجا بر نقش جوان و جوانی فراوان تأکید شده که حتی از رهبر این قیام جهانی آن گاه که یاد می‌شود از او به عنوان انسانی در هیئت و هیبت یک جوان یاد می‌شود که برنایی نقشی اساسی در تحقق آرمان‌های آن قیام جهانی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

جوانان در تحقق آرمان‌های مهدوی نقش برجسته‌ای دارند. آنها تحول خواهی و انقلابی بودن خود را به عنوان یک ابزار برای تغییر و بهبود جامعه رای رسیدن به آرمان‌های بلند قیام جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار می‌گیرند. آرمان‌های مهدوی که شامل عدالت، مساوات، صلح و خوشبختی برای همه انسان‌هاست و جوانان می‌توانند با شجاعت، عزم و اعتقاد به این آرمان‌ها، به عنوان عوامل اصلی در تحقق آنها عمل کنند.

با توجه به ویژگی‌های جوانی، از جمله نشاط، پویایی و توانایی پیگیری آرمان‌های مهدوی برای این گروه بهتر تحقق می‌یابد.

جوانان می‌توانند با تغییر در نگرش و عملکرد خود، راه‌های جدیدی برای تحقق آرمان‌های مهدوی پیشنهاد کنند و به جامعه انگیزه و الهام بدهند.

جوانان با انگیزه و اشتیاق خود می‌توانند تغییرات اجتماعی را آغاز و پیگیری کنند. آنها می‌توانند با شناسایی مشکلات اجتماعی، ارائه راه‌حل‌های نوآورانه و انجام فعالیت‌های مرتبط با آرمان‌های مهدوی، به تحولات اجتماعی و ساختاری در جامعه کمک کنند.

جوانان می‌توانند با سازمان‌دهی و ایجاد همبستگی و اتحاد در بین جوانان دیگر، به تحقق آرمان‌های مهدوی کمک کنند. آنها می‌توانند با برگزاری جلسات و کارگاه‌ها، تشکیل گروه‌های فعالیتی و ایجاد شبکه‌ها، جوانان را به همدلی و همکاری دعوت کنند و برای تحقق آرمان‌های مهدوی با همکاری فعالیت کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: اسلامیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷ش)، *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالشامیه.
۸. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، قم: هجرت.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبه*، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۴. المقدسی الشافعی، یوسف بن یحیی (۱۳۹۹ق)، *عقد الدرر فی اخبار المتظر*، تحقیق: الدكتور عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره: مكتبة عالم الفكر.
۱۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: صدوق.
۱۶. نیشابوری، حاکم محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

17. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>

18. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52355>